



ORIGINAL ARTICLE

Received:2019/07/13

Accepted:2019/10/22

**Mother Guilt Feeling:
A qualitative research of women's employment in the mother-child relationship**

Hossein Ali Dehghanizadeh(P.hD.)¹, Mohammad Hoseein Fallah(P.hD.)², Saeed Vaziri(P.hD.)³

1.Ph.D. Student in Counseling, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2.Corresponding Author:Associate Professor Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Humanities, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: Fallahyazd@iauyazd.ac.ir Tel:09132559467

3.Assistant Professor Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

Abstract

Introduction: Studies show that 60% of working women are struggling with work-life balance. Which most of the problems are related to mother-child relationship The present study aims at studying the psychological dynamics of women's employment on their mother-child relationship. The purpose of this study is theoretical explanation of women's employment in mother-child relationship.

Methods: The present paper was part of a grounded theory study. The research participants were based on theoretical sampling of 14 married women working in Yazd city and were interviewed in-depth and unstructured interviews.The sampling process continued until theoretical saturation In this study, open coding ,axial coding and selective coding were used to analyze data in so doing, data collection and analysis were done simultaneously.

Results: The findings were presented through careful study of the research interview transcriptions, the main propositions, concepts, main categories, and finally, the core category in a long, precise, detailed, and conceptual process. Consequently, this study included 30 concepts, 13 main categories, and one core category, titled as "mother guilt feeling ".

Conclusion: The present study showed that although some women employed in the face of the challenges of employment in the mother-child relationship have used positive strategies that have had a positive effect such as "increasing child age and satisfaction". But there were more negative consequences for working mothers. Because they are faced with the duality of roles and responsibilities, working mothers also think that their absence may result in harm to their children when they are not involved with their child.Thus, in accordance with this process and the causal factors, the underlying and the confounding conditions, the phenomenon of " mother guilt feeling " is formed.

Keywords: Employment, Women, Mother guilt feeling, Grounded Theory

Conflict of interest: The authors declared that there is no conflict of interest.



This Paper Should be Cited as:

Author: Hossein Ali Dehghanizadeh, Mohammad Hoseein Fallah, Saeed Vaziri
A qualitative research of Women's Employment in the..... Toloobebehdasht
Journal.2020;19(2): 16- 32.[Persian]



احساس گناه مادری: کاوشی کیفی بر اشتغال زنان در رابطه مادر-فرزندی

نویسندگان: حسینعلی دهقانی زاده^۱، محمد حسین فلاح^۲، سعید وزیری^۳

۱. دانشجوی دکترا مشاوره، واحد یزد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: Fallahyazd@iauyazd.ac.ir

تلفن تماس: ۰۹۱۳۲۵۵۹۴۶۷

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

طلوع بهداشت

چکیده

مقدمه: بررسی‌ها نشان می‌دهد ۶۰٪ زنان شاغل با مشکل توازن بین کار و خانواده روبرو هستند. که بیشتر مشکلات آنها مربوط به رابطه مادر-فرزندی می باشد. پژوهش حاضر به مطالعه پویایی‌های روان‌شناختی اشتغال زنان بر رابطه مادر-فرزندی آن‌ها پرداخته است. هدف از پژوهش حاضر تبیین نظری اشتغال زنان در رابطه مادر-فرزندی است.

روش بررسی: مقاله حاضر بخشی از یک مطالعه گراندد تئوری بود، مشارکت کنندگان پژوهش بر اساس نمونه‌گیری نظری ۱۴ نفر از زنان متأهل شاغل در شهر یزد بودند و مورد مصاحبه‌های عمیق و ساختارنیافته قرار گرفتند. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت در این پژوهش، از کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در این مسیر، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها هم‌زمان پیش رفت.

یافته‌ها: نتایج با بررسی دقیق متن مصاحبه‌های تحقیق، واحد معنایی اصلی، مفاهیم، مقوله‌های اصلی و در نهایت مقوله هسته، در فرایندی طولانی، دقیق، جزئی و مفهومی، ارائه شد. در نتیجه، این تحقیق شامل ۳۰ مفهوم، ۱۳ مقوله اصلی و یک مقوله هسته تحت عنوان "احساس گناه مادری" است.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان داد که اگرچه بعضی زنان شاغل در مواجهه با چالش‌های اشتغال در رابطه مادر-فرزندی از استراتژی‌های مثبت استفاده کرده‌اند که متناسب با آن پیامد مثبتی هم چون "افزایش سن فرزند و رضایت" به همراه داشته است. ولی پیامدهای منفی برای مادران شاغل بیشتر بودند. چراکه آنان با دوگانگی نقش و وظایف روبرو می باشند هم چنین مادران شاغل زمانیکه درگیر وظایف شغلی خود هستند و در کنار فرزندشان حضور ندارند به این موضوع می‌اندیشند که عدم حضور آنها منجر به آسیب دیدن فرزند می‌گردد. بنابراین متناسب با این فرایند و عوامل علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، پدیده "احساس گناه مادری" در آنان شکل می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، زنان، احساس گناه مادری، پژوهش کیفی.

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال نوزدهم

شماره دوم

خرداد و تیر ۱۳۹۹

شماره مسلسل: ۸۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۷

**مقدمه**

امروزه فعالیت زنان به کارهای داخل منزل محدود نمی شود، آن ها خود را درگیر حرفه های مختلفی کرده اند، تقریباً در سراسر جهان زنان ۵۰ درصد از نیروی کار هستند (۱). در ایران بر اساس گزارش مرکز آمار در تابستان ۱۳۹۶ سهم اشتغال زنان ۱۳/۲ درصد بوده و این سهم در اشتغال کار شایسته که شاغلین ۱۵ ساله با ساعت کار ۴۹ ساعت می باشد ۱۵ درصد می باشد (۲). در دهه های اخیر، ورود زنان به بازار کار با مباحث مختلفی پیرامون این نقش همراه بوده است. دولت، جامعه و خانواده می توانند به عنوان تامین کننده وسایل مراقبت از افراد وابسته به ویژه مراقبت از کودکان نقش داشته باشند. مطالعات متعددی نشان داده اند که درگیری زنان در قبال مسئولیت های مراقبت از کودکان در مقایسه با مردان بیشتر است (۳). مدیریت دو نقش در یک زمان مانند کارهای خانوادگی و شغلی یک سناریو معمول برای هر زن شاغل متاهل است (۴).

تحقیقات در زمینه تعادل کار و زندگی نشان می دهد که بسیاری از افراد در ایجاد هماهنگی نقش های خاص در زندگی کاری و خانوادگی مشکلاتی را تجربه می کنند (۵) وضعیت زنانی که فعالیت در خارج خانه انجام می دهند در مقایسه با مردان با تفاوت هایی همراه است. و اصولاً نشان می دهد زنان با مشکلات نقشی بیشتری روبرو هستند. و سبک زندگی زناشویی آن ها تحت تاثیر قرار می گیرد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه این موضوع نمود بیشتری دارد (۶).

برخی پژوهش های میدانی نشان داده اند که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار بیشتر اضطراب دارند. که این وضع ناشی از تعدد نقش هاست. زنانی که نقش کارمند را با نقش های

زناشویی و خانوادگی ترکیب می کنند بیشتر از مردان دچار افسردگی می شوند. از سویی دیگر فشار عصبی ناشی از تعدد نقش ها زمینه پیشرفت در عرصه های شغلی را برای زنان محدود می کند (۷).

گستره وسیعی از پژوهش ها نشان می دهد که بین کار و خانواده تعارض وجود دارد (۸-۱۰) ادبیات پژوهش عمدتاً نشان دهنده آن است که زنان و مادران شاغل در مقایسه با مردان تعارض کار- خانواده را بیشتر تجربه می کنند. اردامار و دمیرل (۱۱) در پژوهشی با عنوان تعارض کار- خانواده در میان معلمان نشان دادند که خستگی فیزیکی و ذهنی در محل کار مسئولیت در خانه را دشوار می سازد و مشکلی که در مواجهه با کار ایجاد می شود باعث ایجاد تنش در خانه می گردد. علاوه بر این معلوم شد که معلمان زن تعارض کار- خانواده را بیشتر تجربه می کنند.

مادران شاغل علی رغم افزایش تحولات پدران، به عنوان مراقبان اصلی فرزندان محسوب می گردند. اما یک نگرانی رایج این است که اشتغال مادران منجر به از دست دادن زمان و بی توجهی به فرزندان گردد. علاوه بر این، رشد تاریخی اشتغال مادران همزمان با افزایش انتظارات اجتماعی منجر به درگیری در رابطه مادر- فرزندی گردیده است (۱۲).

در این فرایند یکی از جدی ترین احساسات منفی که مادران شاغل تجربه می کنند احساس گناه است. هم چنان که ادبیات پژوهش نشان دهنده این مهم است. تیموتی و همکاران (۱۳) در پژوهشی اثر تعارض کار- خانواده بر احساس گناه و خصومت و تاثیر این احساسات بر رضایت شغلی و رضایت زناشویی را بررسی کرده اند نتایج نشان داد تعارض کار- خانواده بر رضایت



پژوهش ها نشان دهنده تاثیر منفی اشتغال مادران بر رابطه مادر فرزند دارد ولی برخی پژوهش ها نشان دهنده تاثیرات مثبت می باشد خصوصا اگر این فرایند با حمایت و همکاری همسر همراه باشد به عنوان مثال تقوی و محمدی (۱۸) در پژوهشی نشان دادند که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار به لحاظ ارتباط عاطفی با همسر خود، تقسیم کار در منزل و برخورد با فرزندان نسبت به زنان خانه دار موفق بوده اند.

لذا از آنجا که در پژوهش های پیشین به درک نظری اشتغال زنان در رابطه مادر- فرزندی پرداخته نشده است، محققان بر آن شدند تا با استفاده از روش داده بنیاد و به کارگیری مصاحبه های عمیق به چالش های فرا روی مادران شاغل بپردازند. در این مسیر آن ها تلاش کردند تا باورهای بنیادی ذهنی زنان شاغل را از رابطه مادر- فرزندی به طرز دقیق و جزئی کشف و مشخص نمایند که این دوگانگی نقش برای آن ها چه معنا و مفهومی دارد.

روش بررسی

روش شناسی پژوهش حاضر بر اساس پارادایم تفسیری طرح ریزی گردیده است که مبتنی بر این پارادایم، این مطالعه به صورت کیفی انجام شد. در این میان بر اساس پاسخگویی به سؤالات و اهداف تحقیق، روش کیفی با رویکردگراند تئوری در طراحی روش شناسی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. اهمیت این روش شناسی، از یک سو به قابلیت آن در نظریه سازی و از سوی دیگر ایجاد بستری برای تحلیل داده های کیفی است. این روش در پی دستیابی به سطحی بالاتر از توصیف، به دنبال تولید یا کشف نظریه است. این توصیف شامل آنچه آنها تجربه

زناشویی تاثیر منفی گذاشته است. هم چنین تعارض کارخانواده به شدت تحت تاثیر احساس گناه و خصومت بوده است. از جمله مسائل دیگر که مادران شاغل با آن روبرو هستند موانعی برای باروری است. متسیچ و همکاران (۱۴) در پژوهشی با عنوان تعبیر های والدین و متخصصین پوست از تعادل کار و زندگی نشان دادند. که ۵۱ درصد متخصصین در دوران رزیدنتی تمایل به داشتن فرزند هستند ولی با موانعی از جمله: طول مدت مرخصی زایمان، داشتن مسئولیت های بیشتر نسبت به سایر همکاران، داشتن حریم خصوصی مناسب برای شیر دهی و استخدام پرستار در خانه روبرو بوده اند مطالعاتی به بررسی اشتغال مادران و تاثیر آن بر سلامت روان کودکان پرداخته شده است، که نتایج عمدتا نشان دهنده تاثیرات منفی بر روی سلامت روان کودکان می باشد هم چنان که واحدی و همکاران (۱۵).

در پژوهشی با عنوان تعارض کار- خانواده والدین بر کارکرد خانواده و سلامت روان کودکان استرالیایی پرداختند نتایج نشان داد که تعارض کار- خانواده بر سلامت روان کودک تاثیر می گذارد. اگر چه برخی از پژوهش ها تاثیرات عمیق تری از اشتغال مادران بر بهداشت روانی فرزندان را گزارش داده اند (۱۶).

از جمله چالش های دیگری که مادران شاغل با آن روبرو هستند وقت و زمان کیفی با فرزندان و چگونگی مراقبت و نگهداری از او می باشد.

در مطالعه ای که توسط کالیات و همکاران (۱۷) انجام شد نشان داده شد که تعارض کار- خانواده منجر به کیفیت منفی در زمان صرف شده با کودکان، خانواده و دوستان می شود. اگر چه عمده



کرده اند و چگونگی تجربه آن ها می شود.

انتخاب مشارکت کنندگان، بر اساس نمونه گیری نظری انجام شد؛ بنابراین محققین ۱۴ نفر از زنان متأهل شاغل در شهر یزد را که حداقل ۳ سال از ازدواج آن ها گذشته بود و دارای فرزند بودند را انتخاب کرده و مورد مصاحبه های عمیق و ساختار نیافته قرار دادند. پیش از آغاز مصاحبه درباره مسائل اخلاقی با مصاحبه شوندها گفتگو شد، درباره اینکه نام و نشانی از آن ها فاش نخواهد شد و همه نام ها به صورت مستعار خواهد بود. هم چنین مصاحبه شوندها حق داشتند به پرسش هایی که آن ها را معذب می کرد پاسخ ندهند.

هم چنین به آن ها این اطمینان داده شد کسی جز پژوهشگران مجاز به شنیدن و خواندن مصاحبه ها نیستند و پس از تحلیل مصاحبه ها از میان برده خواهند شد.

هم چنین از مصاحبه شوندها رضایت کتبی اخذ گردید. مکان مصاحبه ها پس از کسب رضایت و هماهنگی با مشارکت کنندگان در یکی از مراکز مشاوره مجوز دار از سازمان بهزیستی در نظر گرفته شد اتاق محل مصاحبه ساکت و به دور از عوامل اخلال گر بود.

در ضمن مصاحبه ها در ساعت و زمان مناسبی که آن ها فارغ از مسائل کاری و شغلی بودند صورت گرفت. به منظور اطمینان از دست ندادن اطلاعات از دو دستگاه ضبط صدا با کیفیت عالی استفاده شد. طول مدت زمان مصاحبه ها بین ۴۰ تا ۷۰ دقیقه متغیر بود.

شایان ذکر است پس جمع آوری داده ها تحلیل صورت گرفت، تحلیل داده ها بر اساس رویکرد استروس و کوربین ۱۹ انجام

شد. در این مسیر از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. در مرحله کد گذاری باز، در متن به جستجوی طبقات اطلاعات برجسته و بارز پرداخته شد. سپس پژوهشگران با استفاده از رویکرد مقایسه مستمر تلاش کردند این طبقات را به اشباع برسانند. یعنی به دنبال نمونه هایی دال بر آن طبقات گشته و این مصاحبه ها را تا پدیدار نشدن داده های جدید، شفاف شدن ارتباطات بین مفاهیم و زیر طبقات، عدم ظهور طبقات جدید، تکامل یافتگی طبقات محوری و ظهور تدریجی نظریه ادامه یافت.

وقتی مجموعه ای از طبقات اولیه تشکیل شد. پژوهشگران یک طبقه واحد از فهرست کدگذاری باز را به عنوان پدیده محوری انتخاب کردند. طبقه ای که بدین ترتیب انتخاب می شود نوعا طبقه ای است که مشارکت کنندگان به طور گسترده از آن بحث کرده اند یا اهمیت و جذابیت مفهومی خاصی دارد زیرا به نظر می رسد محور فعالیت مورد مطالعه در یک پروژه گراند تئوری باشد. پژوهشگران این طبقه را انتخاب کردند (مرکزی)، آن را در محور نظریه خود به عنوان خصیصه بارز آن قرار دادند، و سپس به پایگاه داده برگشتند (یا به داده هایی که مجددا و مازاد بر داده های قبلی گردآوری شده بودند) تا طبقات مرتبط با این پدیده محوری را شناسایی کنند.

در واقع باید گفت پژوهشگران وارد نوعی فرایند کدگذاری به نام کدگذاری محوری شدند که در آن پایگاه داده (یا داده هایی که جدیداً گردآوری شده اند) به منظور یافتن طبقات کدگذاری خاصی که در ارتباط با پدیده محوری بوده یا آن را توضیح دهند بررسی شود.



نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده‌سازی دقیق اتکاپذیری مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

همان‌طور که در بخش نمونه‌گیری پژوهش توضیح داده شد، ۱۴ مشارکت‌کنندگان از میان زنان شاغل شهر یزد انتخاب شدند که مطابق با جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان شده است. هم‌چنین با بررسی دقیق متن مصاحبه‌های پژوهش، واحد معنایی اصلی، مفاهیم، مقوله‌های اصلی و درنهایت مقوله هسته، ارائه شد. در نتیجه، مطابق جدول ۲، این پژوهش از ۳۰ مفهوم ۱۳ مقوله اصلی و یک مقوله هسته به نام احساس گناه مادری تشکیل شده است. نتایج پژوهش در دو بخش خط داستان و مدل پارادایمی ارائه خواهد شد.

این طبقات همان شرایط علی اثرگذار بر پدیده محوری، استراتژی‌های مواجهه و مدیریت پدیده محوری، و شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر شکل‌دهنده این استراتژی‌ها هستند. اطلاعات حاصل از این مرحله کدگذاری در ادامه در قالب یک نگاره (پارادایم کدگذاری) که مدل نظری فرایند تحت مطالعه را نشان می‌دهد، سازماندهی و ارائه شدند، و بدین ترتیب نظریه ساخته شده و به دست آمد. سپس پژوهشگران بر اساس این نظریه، اظهاراتی ارائه دادند که رابطه متقابل درون پارادایم کدگذاری را مشخص می‌کرد. به این مرحله کدگذاری گزینشی گفته می‌شود. برای دستیابی به قابلیت اعتماد از، بررسی همکاران ممیزی خارجی، تصریح سوگیری پژوهشگر و تأیید مشارکت‌کنندگان، استفاده شد. هم‌چنین، با رعایت اصول و

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	شغل	سن	سابقه	سال‌های سپری شده از ازدواج	شغل همسر	تعداد فرزند
۱	کارمند	۴۳	۱۸	۱۹	کارمند	۳
۲	کارمند	۴۰	۱۷	۱۵	کارمند	۲
۳	کارمند	۴۰	۱۵	۲۳	بازنشسته فرهنگی	۲
۴	کارمند	۳۴	۸	۱۰	کارمند	۱
۵	کارمند	۳۴	۱۱	۸	کارمند	۱
۶	کارمند	۳۶	۱۰	۳	کارمند	۱
۷	کارمند	۴۰	۲۴	۳۳	بازنشسته فرهنگی	۴
۸	کارمند	۴۰	۶	۱۹	پزشک	۲
۹	کارمند	۳۷	۱۰	۷	معلم	۱
۱۰	کارمند	۳۹	۱۷	۱۱	کارمند	۲
۱۱	کارمند	۳۸	۱۴	۱۱	آزاد	۲
۱۲	کارمند	۳۲	۸	۶	کارمند	۱
۱۳	کارمند	۴۴	۱۸	۲۱	آزاد	۳
۱۴	کارمند	۳۷	۱۳	۱۲	کارمند	۲



جدول ۲: واحد های معنایی، مفهوم، مقوله های اصلی و هسته

مقوله هسته	مقوله اصلی	مفهوم	واحد معنایی
احساس گناه مادری	چالش مادری	چالش های فرزند آوری	اولین چالشی که ایجاد کرد باعث شد که کلا کار عصر را واگذار کنیم
		سختی های فرزند آوری	بچه ها که کوچکتر بودند مشکلات خیلی زیاد بود
		ناتوانی در مراقبت از فرزند در مواقع بیماری	به عنوان اینکه مادر هستی و نمیتونی حداقل زمانیکه مریض هست کنارش باشی. خوب اینا همه اش حس بد می ده
	مشکلات روزانه	مشکلات صبحگاهی مربوط به فرزندان	صبح که می خوابم بذارمش سخت ترین کاره برام
		مشکلات مربوط به زمان ناهار	ولی خوب برای مادر خیلی سخت هست وقتی می بینه غذا حاضر نیست همه اش فکرش مشغول هست با توجه به شرایط شغلی در تابستان مشکلات بیشتر میشه
	فرزند ناراضی	نارضایتی فرزند نسبت به شغل مادر	می بینم مامان مجبوره بره سرکار، ظهر بیاد ناهار آماده کنه، دوباره عصر ممکنه درگیریهایی داشته باشیم این که اصلا خوششون نمیداد
		مقایسه شدن با زنان خانه دار توسط فرزند	مثل مامان مجتبی (دوستش هست). کاش توی خونه بودی
		تاثیر منفی اشتغال بر روابط مادر فرزندی	در مورد فرزندان وقتی کوچک بودند تاثیر منفی می گذاشت چون من کمتر بودم و نمی تونستم وقت بذارم
		حقیر شمرده شدن زحمات مادر	این واقعیتش الان براش ارزش نداره. میگه خریدن به ماشین زمانی که میرم دانشگاه اصلا برام ارزش نداره. میگه الان تو خونه باش
	مغفول واقع شدن فرزند	عدم توانایی در رسیدگی به فرزندان	نوجوان هست من درکش نمی کنم. فکر می کنم به خاطر کارمند بودنم باشه
		عدم ارضا نیازهای فرزندان	دوتا بچه ام الان تو این سن از لحاظ عاطفی می خوان که من باشم. و نمیخواند که من کارمند می باشم
	مادر نگران	عواقب تنهایی	مامان یکی امروز زنگ زد ترسیدم و رفتم تو اتاق و در را قفل کردم و فرداش می گفتم الان شاید دوباره این اتفاق بیافتد
		دغدغه مادر در محل کار	از کلاس اول تو خونه تنها بوده. استرس های وحشتناک هست که دختر تنها بره تو خونه، اتفاقی بیفته یا نه. اون عادت داشت به محض اینکه میرسید زنگ می زد. اگر یکی دو دقیقه زنگ نمی زد نگران می شدم و خودم زنگش می زدم
	دغدغه مسئولیت	بار مسئولیت	نگرانی در مورد بچه تب نکنه مسولیت در نهایت گردن خودم صبح هم باید بیای سر کار و اینکه بچه را کجا بذاری کی نگهش بداره نهایت گردن خودم بچه مثلا مریض بشه شاید آقا نصف شب بیدار بشه شاید داروش هم بده تو بخواب من نگهش می دارم ولی خیالش از شب تا صبح راحته. ولی مامان خیالش راحت نیست
	ازدواج فرزندان و مشکلات جدید	مشکلات مربوط به انتخاب همسر برای فرزند	خوب برای ما خانم های کارمند خواستگاری رفتن یا پذیرش خواستگار گرفتاری هایی داره چون من عروس دارم داماد دارم اینها هم شاخه شاخه
		تنظیم روابط با عروس و داماد	



تعارض با شوهر درمورد فرزند آوری	تعارض با شوهر درمورد فرزند آوری	می شه و مشکلاتی اضافه می شه نسبت خانمی که تازه کار شده یا یکی بچه کوچک داره
مجدد	تعارض درونی برای بچه دوم	من می دونم بچه دوم خوبه ولی اون نمی خواد رابطه من و شوهرم را بهم می زنه
خودسرزنشگری	عذاب وجدان بابت نبودن کنار فرزند	از اینکه صبح ها بچه با سختی از من جدا می شود خیلی ناراحت کننده است عذاب وجدان بدی دارم که چرا کنار او نیستم نکند آسیب جدی بخورد
به تاخیر انداختن تصمیم برای بچه دار شدن	افسردگی ناشی از عدم ارضا نیازهای فرزند سازگاری شغلی و خانوادگی قبل از ایفای نقش مادری	اینکه نمی تونم بعضی از نیازهای فرزندم را ارضا کنم باعث شده افسرد بشم
انکا عاطفی به دیگران	به تعویق انداختن باروری	وبعد ازدواج زمانیکه هنوز فرزند نداشتم مشکلات کمتر بود. کمک کننده هم بود وضعیت مالی ما بهتر بود.
	احساس خجالت بابت کمک گرفتن از والدین	بچه نداشتم. وقت آزاد داشتیم برا همین چند سالی تصمیم گرفتیم بچه دار نشیم
	احساس منفی بابت کمک گرفتن از دوستان	از اینکه بچه ام را باید پیش مادر شوهرم بذارم به ناراحتی هایی دارم به جور باید شرمند اشون باشی آدم خجالت می کشه
افزایش سن فرزند و رضایت	رضایت از شغل مادر در تعامل با گروه همسال در نوجوانی	ما اینجا کسی نداریم برای همین بچه را باید بعضی مواقع پیش دوستانمون بذاریم و این احساس خوبی نیست
مادر با کفایت	رضایت از شغل مادر در استقلال فرزندان	الان که دبیرستان می ره جلو دوستاش افتخار می کنه از موقعیت شغلی و اجتماعی من
	تاثیر شغل مادر در استقلال فرزندان	تو سن جوانی اینکه من تو اجتماع هستم و اطلاعات دارم و اون را می فهمم خوشش میاد
	تلاش برای زمان مفید با فرزند سپری کردن	ببیند من معتقدم بچه های کارمندان خیلی مستقل تر می شوند
		سعی می کنم به کارهایی که مامان دختری هست انجام بدم

کلا همین برنامه ریزی راهم نمی توانی در زندگی بکنی فلان ساعت بخوام کتاب بخونم»

۲-مشکلات روزانه: مادران شاغل با مشکلات روزانه متعددی با فرزندان خود روبرو هستند از مشکلات صبحگاهی گرفته که شامل از خواب بیدار کردن فرزند، تهیه صبحانه و بردن فرزند به مهد یا مدرسه و چگونگی تهیه ناهار، هماهنگی جهت آمدن فرزند به منزل تا رسیدگی به تکالیف بچه ها در ساعت عصر و بردن آنها به پارک یا مکان های تفریحی تماما برای مادر تبدیل به یک پروبلماتیک روزانه می شود. هم چنان که شرکت کننده ردیف شماره ۲ می گفت: « صبح که می خوام بذارمش می رم

در این قسمت سعی خواهد شد جریان اصلی تحقیق که در جدول ۲ نشان داده شده است به طور خلاصه بررسی شود.

۱-چالش مادری: مادر شدن و متناسب با آن فرزندپروری مسئولیت ها، رنج ها و چالش های خاص خود را دارد.

که از لحظه تولد و حتی قبل از آن شروع می شود. در این میان مادران شاغل با چالش های متفاوتی هم روبرو هستند. آن ها باید وقت و زمان را به گونه ای مدیریت کنند که هم بتوانند به دغدغه های شغلی خود برسند و هم اینکه در مواجهه با مسائل فرزندان حضور موثری داشته باشند. به عنوان مثال شرکت کننده ردیف ۱ می گفت: « وقتی بچه بیاد اصلا زمان برا خودت نداری



مدرسه مراجعه می کند پشت درب بماند. و یا اینکه فرزند مجبور شود کارهایی را انجام دهد که متناسب با شرایط سنی و رشدی او نیست مثل مراقبت از سایر خواهر و برادرها که در مجموع تکرار این شرایط منجر به شکل گیری وضعیت مغفول واقع شدن فرزند از سوی مادر می گردد. به عنوان مثال شرکت کننده ردیف شماره ۴ می گفت: «نوجوان هست من درکش نمی کنم. فکر می کنم به خاطر کارمند بودنم باشه.»

۵-مادر نگران: مادران شاغل بواسطه اینکه در زمان های طولانی در کنار فرزندان خود نیستند با مجموعه ای از نگرانی ها روبرو هستند این نگرانی از یک طیف گسترده ای برخوردار است. آیا عدم حضور من و نبودنم در کنارش به او آسیب می رساند، آیا زمانی که فرزند من از مدرسه می آید و در منزل تنهاست آیا برایش اتفاقی می افتد، این تنهایی به او چه صدماتی می زند، آیا در ارتباط با همسالان دچار مشکل می شود، تعدد این ها مسئله ای را در مادران شاغل بوجود می آورد تحت عنوان مادر نگران. مثلاً شرکت کننده ردیف ۵ می گفت: «از کلاس اول تو خونه تنها بوده. استرس های وحشتناک هست که دختر تنها بره تو خونه، اتفاقی بیفته یا نه. اون عادت داشت به محض اینکه می رسید زنگ می زد. اگر یکی دو دقیقه زنگ نمی زد نگران می شدم و خودم زنگش می زدم.»

۶-دغدغه مسئولیت: نقش والدینی و مادری آمیخته با مسئولیت است. وظایف و مسئولیت های متعدد از جمله تامین نیازهای جسمانی و تغذیه ای فرزند، مسئولیت در برابر نیازهای عاطفی و روانی او، تکالیف مدرسه، مواقع سختی و بیماری، ارتباط با گروه همسال و مسائل مربوط به رشد از جمله رایج ترین مسئولیت هایی است که مادر با آن ها روبرو است و به دلیل

خونه مامان اینکه می خوام بچه را بغلش کنم تو خواب حس خوبی نیست خیلی بچه های هم سن و سال هستند که راحت پیش مامانشون خوابیدن.»

۳-فرزند ناراضی: شاید جدی ترین ناراضیان در ارتباط با اشتغال زنان فرزندان می باشند. خاص این ناخشنودی و ناراضی در دوران کودکی بسیار بیشتر است. تا بدان حد که آن ها هیچ منطق و دلیلی نمی بینند که مادرانشان را در کنار خود نداشته باشند و به جای آن باید در مهد کودک و یا با پرستار زمان و وقت خود را سپری کنند از اینکه صبح ها باید زود از خواب بیدار شوند و مادرانشان آن ها را به نزد مراقبان بسپارند عمیقاً اظهار ناراحتی و ناخشنودی می کنند و در سنین مدرسه از اینکه ظهرها زمان بازگشت از مدرسه باید در خانه تنها باشند تا والدین از راه برسند و عصرها خود تنهایی باید تکالیفشان را انجام دهند و برای رفتن به مکان های تفریحی والدین نمی توانند آن ها را همراهی کنند اظهار ناراضی می کنند و مادران خود را نامهربان خطاب می کنند همان گونه که شرکت کننده ردیف شماره ۳ می گفت: «می بینم مامان مجبوره بره سرکار، ظهر بیاد ناهار آماده کنه، دوباره عصر ممکنه درگیری هایی داشته باشیم این که اصلاً خوششون نمی آید.»

۴-مغفول شدن فرزند: یکی از آسیب های خانواده های با مادر شاغل مغفول واقع شدن فرزند می باشد. مادر شاغل به دلیل اینکه نقش ها و وظایف متعددی دارد هم باید به نقش های همسری پردازد و هم به نقش مادری و هم اینکه وظایف و مسئولیت هایی در قبال شغل دارند ناچاراً به بخشی از نیازهای عاطفی و روانی فرزند نمی توانند توجه کنند. اینکه فرزند آن ها آیا غذای مناسب و گرم می خورد و یا اینکه در ساعتی از



شاغل را با فشارهای عاطفی و روانی زیادی روبرو می‌کند. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده ردیف ۹ می‌گفت:

« یعنی من داشتن بچه را به تاخیر انداختم داشتن بچه یکی از چالش‌های بین من و شوهرم بود که دوست داشت یک بچه دیگری داشته باشد و من به خاطر اینکه می‌دونستم دست و بال من بسته می‌شه نمی‌خواستم بچه دار بشم »

۹- خودسرزنشگری: بدون شک رایج‌ترین و جدی‌ترین احساس منفی که مادران شاغل تجربه می‌کنند احساس گناه است آن‌ها از این که در کنار فرزند خود نیستند و نمی‌توانند وقت و زمان زیادی را با او سپری کنند و هم چنان که نمی‌توانند نیازهای او را متناسب با انتظارات خود برآورده کنند این احساس را تجربه می‌کنند که نبود آن‌ها به فرزند آسیب می‌رساند و این منجر به شکل‌گیری احساس گناه در آن‌ها می‌شود و در بعضی از والدین تا سال‌های طولانی حتی بعد از این که فرزندان بزرگ شده‌اند هم چنان وجود دارد آن‌ها متناسب با این شرایط احساس غم و اندوه را تجربه می‌کنند این احساسات گناه آن قدر عمیق است که مادران تجربه احساسی خود را همراه با گریستن بیان می‌کنند. آن چنان که شرکت‌کننده ردیف ۱۰ در حالی که می‌گریست می‌گفت: «از این که صبح‌ها بچه با سختی از من جدا می‌شود خیلی ناراحت کننده است عذاب وجدان بدی دارم که چرا کنار او نیستم نکند آسیب جدی بخورد»

۱۰- به تاخیر انداختن تصمیم برای بچه دار شدن: از آن جا که ورود به نقش مادری مسئولیت‌های جدید و متفاوتی را فراروی والدین قرار می‌دهد و هم زمان به دلیل آن که آن‌ها نقش نان‌آوری و کار در بیرون را بر عهده دارند برخی از مادران با

اینکه مادران شاغل از تعدد وظایف و مسئولیت‌ها برخوردار می‌باشند هم نقش مادری و هم نقش همسری و هم نقش شغلی در برابر این مسئولیت‌ها دغدغه‌مند هستند به عنوان مثال شرکت‌کننده ردیف ۶ می‌گفت: « نگرانی در مورد بچه تب نکنه مسولیت در نهایت گردن خودم صبح هم باید بیای سر کار و اینکه بچه را کجا بذاری کی نگهش بداره نهایت گردن خودم »

۷- ازدواج فرزندان و مشکلات جدید: زمانی که فرزندان ازدواج می‌کنند و مادران هم چنان شاغل باشند آن‌ها با مشکلات جدید و متفاوت تری روبرو می‌شوند، آن‌ها باید زمان‌هایی را به گذراندن وقت و توجه به عضو جدید وارد شده به خانواده اختصاص دهند، عروس و دامادها و فرزندان انتظاراتی دارند شرکت در مراسم‌های گوناگون، مهمانی رفتن و مهمانی دادن از جمله دیگر مشکلات می‌باشد و زمانی که آن‌ها باردار و صاحب فرزند می‌شوند مشکلات جدیدتری را مادران شاغل در ارتباط با نوه‌های خود دارند مثلاً شرکت‌کننده ردیف ۸ می‌گفت: « چون من عروس دارم داماد دارم این‌ها هم شاخه شاخه می‌شه و مشکلاتی اضافه می‌شه نسبت خانمی که تازه کار شده یا یکی بچه کوچک داره »

۸- تعارض در فرزندآوری مجدد: یکی از چالش‌های جدی مادران شاغل تعارض در فرزندآوری مجدد می‌باشد این تعارض که به صورت فردی یا بین فردی خود را نشان می‌دهد گاه خود مادر شاغل از یک تعارض درونی برخوردار است که آیا فرزند دوم را تجربه کند یا نه و گاه این تعارض به حوزه ارتباط با همسر کشانده می‌شود در برخی از خانواده‌ها مادر شاغل تمایل به فرزند جدید دارد ولی پدر تمایلی ندارد و در برخی از خانواده‌ها این موضوع بالعکس است این تعارض مادر



آگاهی نسبت به این که فرزند آوری آن ها را با چالش های جدید و متفاوتی روبرو می کند فرایند فرزند آوری و مادر شدن را به تاخیر می اندازند به عنوان مثال شرکت کننده ردیف ۱۱ می گفت: « بچه نداشتیم وقت آزاد داشتیم برا همین چند سالی تصمیم گرفتیم بچه دار نشیم»

۱۱- اتکا عاطفی به دیگران: یکی از استراتژی هایی که مادران شاغل جهت فرزند پروری به کار می گیرند اتکا عاطفی به اطرافیان و خانواده های اصلی خود می باشد این اتکا در بعضی از مواقع خود تبدیل به یک چالش و دغدغه در رابطه خانوادگی می گردد. این وابستگی زمینه ساز نگرانی و استرس در رابطه می شود آن ها نسبت به اطرافیان و والدین خود مدیون می گردند و خیلی از مواقع مادران شاغل احساسات منفی مثل شرم، خجالت در رابطه با آن ها را تجربه می کنند به عنوان مثال شرکت کننده ردیف ۱۲ می گفت: « از اینکه بچه ام را باید پیش مادر شوهرم بذارم یه ناراحتی هایی دارم یه جور باید شرمنده اشون باشی آدم خجالت می کشه»

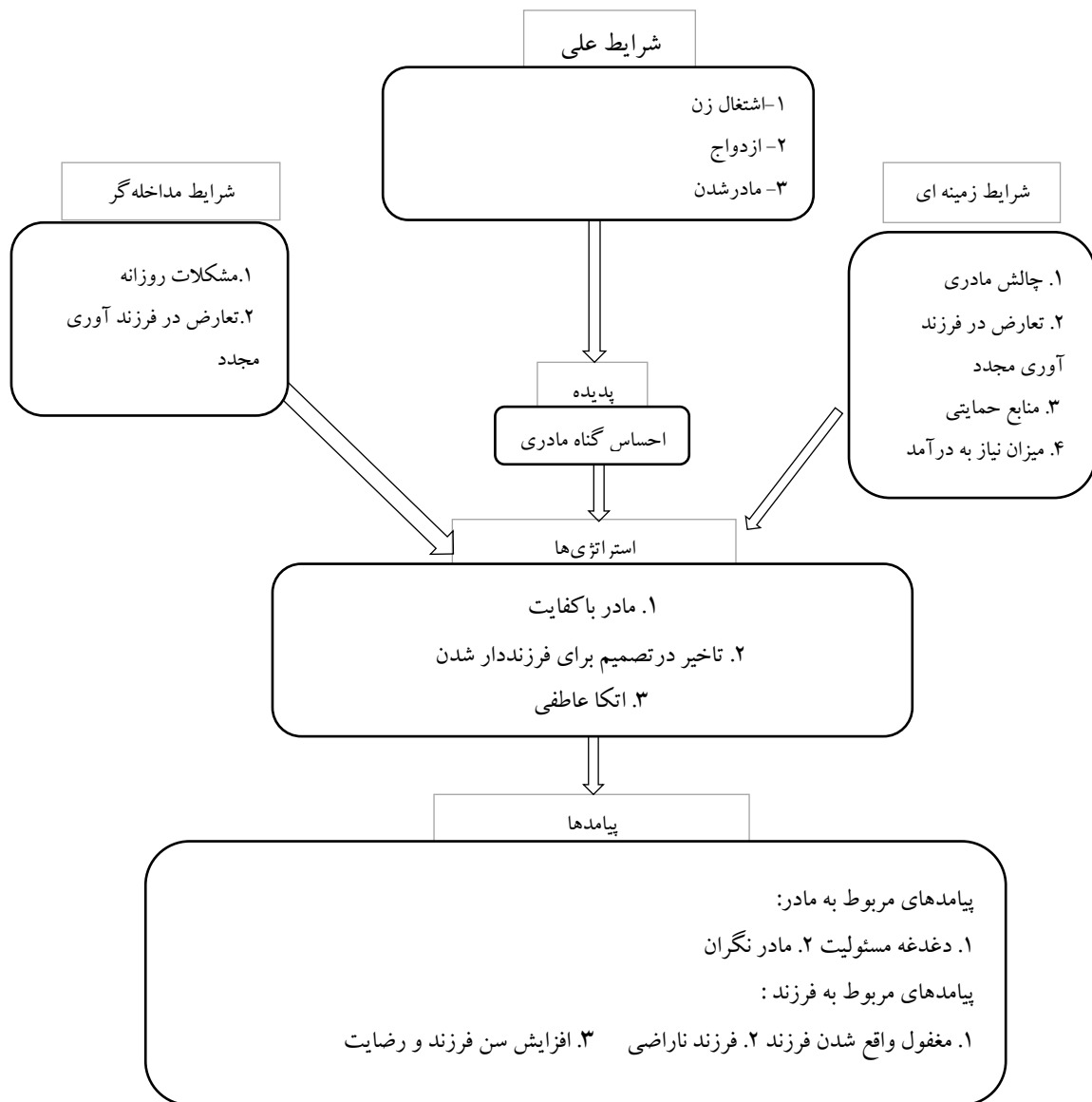
۱۲- افزایش سن فرزند و رضایت: هم زمان با افزایش سن فرزندان آن ها مهارت و توانمندی های بیشتری کسب می نمایند وارد شدن به مراحل رشدی جدید از قبیل نوجوانی و جوانی نیازهای جدیدتری هم در ارتباط با والدین شکل می گیرد که این نیازها بیشتر جنبه اجتماعی و در ارتباط با گروه همسال می باشد. آن ها دوست دارند نقش و جایگاه شغلی و اجتماعی مادر را به دوستان خود معرفی نمایند و از این بابت احساس افتخار و ارزشمندی می نمایند. هم چنین در تعامل با مادر دارند که اصطلاحاً مادرشان به روز باشد و دنیای درونی آن ها را درک کند.

لذا با افزایش سن فرزندان سطح رضایتمندی آن ها از اشتغال مادر هم افزایش می یابد. به عنوان مثال شرکت کننده ردیف ۳ می گفت: « ولی وقتی بزرگتر شدن من می فهمم که بچه هام خیلی خوششون می آید از اینکه من شاغل هستم»

۱۳- مادر با کفایت: یکی از استراتژی های موثری که مادران شاغل در مواجهه با چالش ها تعدد نقش ها و وظایف به کار می گیرند نقش مادر با کفایت است. بدینگونه که در این نقش فرد تلاش می کند ضمن افزایش توانمندی ها و مهارت های خود از قبیل حل مسئله، تصمیم گیری، فرزند پروری مثبت، تاب آوری، مدیریت استرس، خشم و ارتباط موثر تلاش می کنند در زمان محدودی که با فرزند هستند کیفیت رابطه را بالاتر ببرند و نیازهای عاطفی و روانی فرزند را برآورده کنند. آن ها زمان مشخصی را با او سپری می کنند، به فعالیت های تفریحی و مشترک می پردازند، به صحبت های فرزند خوب گوش می دهند و در صورت لزوم او را در آغوش می گیرند. مثلاً که شرکت کننده ردیف ۷ می گفت: « سعی کردم نقشم را خوب ایفا کنم یک موقعه ای هم بچه می گه مامان من توجه می خوام که منم در آغوشش می گیرم سعی می کنم کیفیت رابطه ام را ببرم»

مدل پارادایمی

در اینجا سعی خواهد شد مقولات پژوهش در قالب مدل پارادایمی ارائه شود. مدل پارادایمی شامل قسمت های مختلفی است که عبارت اند از: شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، استراتژی ها و پیامدها. هم چنین، پدیده مرکزی نیز در میانه مدل قرار گرفته است. مهم ترین مقوله در این پارادایم پدیده اصلی یعنی احساس گناه مادری هست.





بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش درک تجربه زیسته زنان شاغل از رابطه مادر و فرزندی می باشد. اینکه تعدد نقش ها و وظایف از یکسو و احساسات خاص و متفاوتی که در رابطه والدینی تجربه می شود برای مادران چه معنا و مفهومی دارد. نتایج شامل ۳۰ مفهوم، ۱۳ مقوله اصلی و یک مقوله هسته تحت عنوان احساس گناه مادری است. یافته ها نشان دهنده آن است که درک و تجربه زیسته زنان هم مثبت و هم منفی می باشد. اگر چه فرایند کلی تجربه آن ها نشان دهنده احساس گناه مادری می باشد. این یافته ها با پژوهش تقوی و محمدی (۱۸) که نشان دادند زنان شاغل در مقایسه با زنان دار در برخورد با فرزندان موفق بوده اند همسو است از سوی دیگر با پژوهش تیموتی و همکاران (۱۳) که نشان دادند تعارض کار- خانواده بر رضایت زناشویی تاثیر منفی گذاشته هم چنین تعارض کار- خانواده به شدت تحت تاثیر احساس گناه و خصومت بوده است همسو می باشد. در تبیین یافته های این پژوهش بر اساس مدل پارادیمی اشتغال زنان، ازدواج و مادر شدن به عنوان شرایط علی محسوب می گردند. چرا که از زمانی که زنان به دلیل تغییرات اجتماعی از نقش خانه داری وارد نقش نان آوری خانواده گردیدند که اگر در این حالت تعدد وظایف و مسئولیت ها و نقش به طرز درستی مدیریت نگردد و تعادلی بین کار و خانواده وجود نداشته باشد می تواند منجر به افزایش فشار روانی در خانواده گردد. هم چنین یکی دیگر از عوامل علی موجود می تواند ازدواج زنان شاغل باشد چرا که تا مادامی که آن ها مجرد هستند نقش های مرتبط با یک زن متاهل که شامل ارتباط با همسر، فرزند و خانه داری است را دارا نمی باشند. و بسیاری از آن ها گزارش دادند

که در زمان مجردی با مشکلات بسیار کمی روبرو بودند هم چنین زمانی که آن ها مادر می شوند نقش جدید مادری، آن ها را با چالش های جدید هم روبرو می نماید. شرایط زمینه ای در این پژوهش عبارتند از: چالش مادری، تعارض در فرزند آوری مجدد، منابع حمایتی و میزان نیاز به درآمد می باشد این عوامل زمینه ای می تواند مادران را با چالش ها و مسئولیت های ناشی از تولد فرزند روبرو کند آنها را سخت نگران و مضطرب می کند. این چالش ها که همراه با تعدد و دوگانگی نقش هم روبرو است فشار روانی مضاعفی را برای مادر به وجود می آورد تعارض از جمله عوامل جدی زمینه ای در بروز تنش های فردی و خانوادگی است. هم چنان که منابع حمایتی و سطح درآمد آن ها از جمله عوامل دیگر زمینه ای است. مادران شاغلی که از میزان حمایت اطافیان و خانواده ها برخوردار هستند و سطح درآمدی بالایی دارند می توانند بخشی از منابع حمایتی مورد نیاز را در قالب خدمات خریداری نمایند اگر در بعضی از موارد منابع حمایتی خانواده می تواند تبدیل به یکسری از چالش ها و مشکلات گردد. این تبیین با نتایج پژوهش زنجانی و باقیات (۲۰) که نشان دادند بین میزان همکاری و میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی رابطه معنی داری وجود دارد همسو می باشد. شرایط مداخله گر در این پژوهش عبارتند از: مشکلات روزانه و ازدواج فرزندان و مشکلات جدید مشکلات و چالش های روزانه ای که مادران شاغل تجربه می کنند از مسائل صبحگاهی گرفته تا مشکلات شبانه گاهی به عنوان یک عامل مداخله گر جدی در مواجهه با چالش ها و سختی های فراروی مادران شاغل می باشد. آن ها در کنار سایر نقش ها و مسئولیت های خانوادگی و شغلی باید به دغدغه های روزانه فرزند خود هم توجه



ویژه ای داشته باشند. اگر چه این دغدغه ها روزانه هستند ولی تفکر در مورد آن ها می تواند منجر به استرس و فشار روانی گردد از دیگر عوامل مداخله گر برای مادران شاغل ازدواج فرزندان می باشد که آن ها را با نقش جدید و مسئولیت های متفاوتی روبرو می کند آن ها که قبلا نقش همسری، مادری و نان آوری را داشتند حال باید نقش مادر شوهر، مادر زن و بالطبع آن، مادر بزرگ را هم تجربه کنند که هر نقش جدید می تواند چالش های مختص به خود را به همراه داشته باشد. این تبیین با یافته های سایوکن و همکاران (۵) که در فرضیه های پژوهش خود نشان دادند که تعارض کار- خانواده منجر به پریشانی عاطفی و احساسی در خانواده می گردد و این تعارض بر فرزند پروری تاثیر می گذارد. پژوهش ربانی و همکاران نشان دادند که با افزایش هر یک از فرزندان در خانواده تعارض کار- خانواده به طور متوسط ۳۱ درصد افزایش می یابد که با نتایج این مطالعه همسو می باشد (۲۱).

استراتژی هایی که مادران شاغل به عنوان سبک مقابله ای در برابر احساس گناه مادری به کار می برند به دو دسته مثبت، منفی تقسیم می شود که سبک مثبت عبارت اند از: مادر با کفایت و از جمله سبک های مقابله ای منفی عبارت است از: تاخیری در مادری و اتکاء عاطفی. از جمله استراتژی های مثبتی که مادران شاغل به کار می گیرند افزایش کفایت، توانمندی و مهارت های خود برای مواجهه با سختی ها و چالش های دوگانگی نقش می باشد. آن ها پس از کسب این مهارت ها تلاش می کنند وقت ها و زمان های کیفی با فرزند خود سپری کنند و چالش ها را به طرز با کفایتی مدیریت کنند. اما مادران شاغل در مواجهه با مشکلات خود از استراتژی های منفی هم استفاده می کنند. یکی

از این سبک های مقابله ای تاخیر در مادری است که مادران با تعویق انداختن فرزند آوری از مواجهه با چالش های فرا روی خود اجتناب می نمایند. از جمله راهبردهای منفی دیگر می توان به اتکاء عاطفی به دیگران اشاره کرد آن ها خیلی وقت ها برای مواجهه شدن با این سختی ها، خود را وابسته به اطرافیان می کنند که این خود می تواند منجر به پیامدهای منفی دیگری شود. این تبیین با نتایج پژوهش حیدری و دهقانی (۱۷) که بیان داشتند استراتژی مهارت حل مسئله در ارتباط با فرزند پیامدهای مثبتی را به همراه داشته است و یافته های متسیچ و همکاران (۱۴) که نشان دادند ۵۱ درصد متخصصین در دوران رزیدنتی تمایل به داشتن فرزند هستند ولی با موانعی از جمله: طول مدت مرخصی زایمان، داشتن مسئولیت های بیشتر نسبت به سایر همکاران، داشتن حریم خصوصی مناسب برای شیر دهی و استخدام پرستار در خانه روبرو بوده اند. و هم چنین یافته های ربانی و همکاران (۲۱) که نشان دادند افزایش تعارض کار- خانواده باعث عدم رضایت از تصمیم مربوط به بچه دار شدن، تعداد و چگونگی تربیت فرزندان می شود همسو می باشد. متناسب با این استراتژی ها پیامدها شکل می گیرند. از جمله این پیامدها عبارت اند از: مغفول واقع شدن فرزند، فرزند ناراضی، دغدغه مسئولیت، مادر نگران و افزایش سن فرزند و رضایت. زمانی که مادران شاغل از استراتژی های منفی استفاده می کنند بالطبع با پیامد منفی هم روبرو می گردند مثل مغفول واقع شدن فرزند، که عدم توجه به نیازهای او و نادیده گرفتنش در بعضی شرایط از مصادیق این تغافل است. هم چنین نارضایتی فرزند از شرایط شغلی مادر و نبودن او از دیگر پیامدهای منفی است. دغدغه مسئولیت داشتن و احساس نگرانی در رابطه



مادر فرزند از جمله پیامدهای منفی دیگر است. که مادران شاغل با آن روبرو هستند. هم چنین استفاده از استراتژی های مثبت پیامد مثبتی هم چون افزایش سن فرزند و رضایت به همراه دارد مادران در طول زمان با کسب مهارت ها و افزایش توانمندی ها و بزرگ شدن فرزندان می توانند تعامل بهتری با آن ها داشته باشند و ارتباط کیفی موثر تری با آن ها برقرار نمایند.

این تبیین با یافته های توانگرو همکاران (۲۲) که در پژوهش کیفی نشان دادند که بنا بر مصاحبه صوت گرفته در رابطه با فرزند یکی از پیامدها غفلت از حقوق کودک می باشد و نتایج پژوهش واحدی و همکاران (۱۵) که عنوان کردند تعارض کارخانواده و والدین بر کارکرد خانواده و سلامت روان کودک موثر می باشد همسو است. در تبیین شکل گیری فرایند احساس گناه مادری در زنان شاغل می توان به این موضوع اشاره کرد که مادران شاغل از یک سو باید به وظایف و مسئولیت های شغلی بپردازند و از سوی دیگر مسئولیت هایی در قبال نقش خانه داری و مادری دارند که این مسئله آنها را با دوگانگی نقش و وظایف روبرو می کند. که این موضوع متناسب با شرایط فرهنگی و سنتی جامعه ایران دوچندان خواهد بود چرا که در جوامع سنتی و جمع گرا به دلیل کار زیاد و خواسته های خانوادگی زنان

تعارض کار- خانواده بیشتری را تجربه می کنند و باز متناسب با همین شرایط فرهنگی که نقش مادر در تربیت فرزند بسیار کلیدی و تعیین کننده تلقی می گردد مادران شاغل زمانی که درگیر وظایف شغلی خود می باشند و در کنار فرزند شان حضور ندارند به این موضوع می اندیشند که عدم حضور آن ها منجر به آسیب دیدن فرزند می گردد.

بنابراین متناسب با این فرایند و عوامل علی، شرایط زمینه ای و مداخله گر پدیده " احساس گناه مادری " شکل می گیرد. لذا به سازمان های دولتی و غیر دولتی پیشنهاد می گردد برای کاهش این پیامد منفی برنامه های آموزشی و مشاوره ای ویژه مادران شاغل داشته باشند.

تضاد منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می دارند که هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان بر خود لازم می دانند که از زحمات کلیه کسانی که در مراحل مختلف این مطالعه همکاری داشته اند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند.

References

- 1-Alam M, Noor Z. Mothers' Perception on the Impact of Employment on their Children: Working and Non-working Mothers. International Journal of social sciences. 2012;2:113-31.
- 2-Statistical Center of Iran. Available from URL: https://www.amar.org.ir/portal/0/news/2018/1_ch_neroo3-96.pdf. [Persian]
- 3-Cebrian I, Davia MA, Legazpe N, Moreno G. Mothers' employment and child care choices across the European Union. Social Science Research. 2019;80:66-82.



- 4-Sitimin SA, Fikry A, Ismail Z, Hussein N. Work-family Conflict among Working Parents of Children with Autism in Malaysia. *Procedia Computer Science*. 2017;105:345-52.
- 5-Saucan DS, Marhan AM, Micle MI. Exploring Work-family Conflict and Reconciliation in a Romanian Sample. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*.2015; 187: 239-43.
- 6-Julan X, Yanwei S, Hongyu M. Relationship between similarity in work-family centrality and marital satisfaction among dual-earner couples. *Personality and Individual Differences* . 2017;113:103–8.
- 7-Vargas OL P, Gomez S P, Ortiza C L S. From Conciliation to Work–family Enrichment in Educational Institutions. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2015;191:1148-51.
- 8-Gozukara I, Çolakoglu N. The Mediating Effect of Work Family Conflict on the Relationship between Job Autonomy and Job Satisfaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*.2016; 229: 253-66.
- 9-Farradinna S, Halim F W. The Consequences of Work-family Conflict Burnout and Organizational Commitment among Women in Indonesia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2016; 219: 241-7.
- 10-Turliuc M, Buliga D. Job and Family Satisfaction and Work-family Enhancement. *Mediating Processes*. 2014;159:115-9.
- 11-Erdamar G, Demirel H. Investigation of Work-family, Family-work Conflict of the Teachers. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*.2014;116:4919-24.
- 12-Martin MA, Lippert A M, Chandler K D, Lemmon M. Does mothers' employment affect adolescents weight and activity levels? Improving our empirical estimates. *SSM – Population Health*.2018;4: 291-300.
- 13-Timothy AG, Remus I, Brent S. Work–family conflict and emotions: Effects at work and at home. *Personnel Psychology*.2006;59:779-814.
- 14-Mattessich S, Shea K, Whitaker-Worth D. Parenting and female dermatologists' perceptions of work-life balance. *International Journal of Women s Dermatology*. 2017;3(3):127-30.
- 15-Vahedi A, Krug I M, Westrupp E. Crossover of parents' work-family conflict to family functioning and child mental health. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2019; 62: 38-49.



- 16-Li J, Loerbroks A, Siegrist J. Effort–reward Imbalance at Work Parental Support and Suicidal Ideation in Adolescents: A Cross-sectional Study from Chinese Dual-earner Families. *Safety and Health at Work*.2017;8(1):77-83.
- 17-Kalliath P, Hughes M, Newcombe P. When Work and Family are in Conflict: Impact on Psychological Strain Experienced by Social Workers in Australia. *Australian Social Work*. 2012;65(3):355-71.
- 18-Taghavi N, Mohamadi GH. Investigating the effect of women s out-of-home employment on family relationships. *Iranian Journal of Social Sciences Studies*.2014;11(3)1-16.[Persian]
- 19-Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: Techniques and procedures for eveloping grounded theory Thousand Oaks CA. 3rd ed. SAGE Publications Inc. 2008.
- 20-Zanjani H, Baghiat Esfahani Z. The effect of employ ment and family life on satisfaction of the Female teachers (Case Study:the employed teachers in zone one, Karaj). *Iranian Journal of Social Sciences Studies*.2014; 10(4):13-31.[Persian]
- 21-Rabani M, Mansuri A, Jahani Y, Shahdadi H, Khammari M. Relationship between work – family conflict and marital satisfaction among nurses and midwives in hospitals of Zabol university of medical sciences. *J Qazvin Univ Med Sci*.2016;20(3):56-48.[Persian]
- 22-Tavangar H, Alhani F, Vanaki Z. Decline of Self-efficacy: the Consequence of Nursing Work-family Conflict. *J Qual Res Health Sci*. 2012;1(2):135-47.[Persian]